

بررسی نتایج موارد آسپیراسیون سوزنی ندولهای تیروئید در کلینیک تخصصی شهر اردبیل طی سالهای ۸۱-۱۳۷۹

دکتر منوچهر ایران پرور^۱، دکتر عباس یزدانبد^۲، فیروز امانی^۳، شبنم سهرابی^۴

چکیده

زمینه و هدف: ندولهای قابل لمس تیروئید تقریباً در ۵ درصد بالغین یافت می شوند. با توجه به شیوع بالای این حالت، تشخیص و نحوه ارزیابی آنها برای پزشکان اهمیت دارد. هدف اصلی ارزیابی ندولهای تیروئید انجام یک روش کم هزینه برای تشخیص گروه کوچکی از بیماران است که ضایعه بدخیم دارند. برای تشخیص ماهیت پاتولوژی گره ها، انجام آسپیراسیون سوزنی (FNAB)، به عنوان اولین روش تشخیصی آسان و مقرون به صرفه است. با توجه به این نکته تصمیم گرفتیم تا نتایج پاتولوژیک بدست آمده از آسپیراسیون سوزنی ندولهای تیروئیدی سرد انجام گرفته از اول مهر ماه سال ۷۹ تا اول مهر سال ۱۳۸۱ را در یک کلینیک تخصصی بررسی نماییم.

روش کار: این مطالعه از نوع توصیفی مقطعی بود و روش جمع آوری اطلاعات با تکمیل پرسشنامه از پرونده های این بیماران انجام شد. نتایج جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار آماری SPSS و استفاده از آمار توصیفی در قالب جداول فراوانی و فراوانی نسبی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در این مطالعه ۱۴۵ بیمار (۱۱۳ نفر زن و ۳۲ نفر مرد) که با ندول تیروئیدی تحت آسپیراسیون قرار گرفته بودند مورد بررسی قرار گرفتند.

یافته ها: بیشتر بیماران در محدوده سنی، ۴۰ - ۳۰ سال بودند (۳۶/۵٪). FNAB ۱۱۵ بیمار (۷۹/۴٪) خوش خیم (گوآتر ندولر، کیست کلوئیدال، آدنوم فولیکولر، تیروئیدیت)، ۶ مورد (۴/۱٪) بدخیم و ۱۶ مورد (۱۱٪) مشکوک گزارش شد که از میان موارد خوش خیم، ۱۰۲ نفر (۷۰/۶٪) گوآتر ندولر، ۱۶ بیمار (۱۱٪) FNAB مشکوک داشتند و در ۸ بیمار (۵/۵٪) بیماران FNAB ناکافی بوده است. در ۱ مورد (۰/۷٪) کارسینوم فولیکولری و در ۵ مورد (۳/۴٪) کارسینوم پاپیلری وجود داشت.

نتیجه گیری: با توجه به مناسب بودن FNAB به عنوان یک روش تشخیصی کانسره های تیروئید در بیماران دارای تیروئید با گره سرد، نتایج بدست آمده از این مطالعه نشان داد که اکثر ندولهای بررسی شده با FNAB خوش خیم بودند و فقط درصد کمی از آنها بدخیم بودند و اغلب کارسینومهای بدخیم، کارسینوم پاپیلری بودند. درصد ندولهای بد خیم در مردان ۶/۲٪ و در زنان ۳/۵٪، بطوریکه نسبت بدخیمی در مردان نسبت به زنان ۱/۸ بوده است.

واژه های کلیدی: FNAB - ندولهای تیروئیدی - کارسینوم تیروئیدی.

۱- مؤلف مسئول: فوق تخصص غدد، متابولیسم و استادیار دانشگاه علوم پزشکی اردبیل

۲- استادیار گروه داخلی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل

۳- مربی گروه آمار زیستی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل

۴- دکتری عمومی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل